

## پیام بمناسبت چهلین سالگرد تاسیس کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی

با درود به خاطره سرخ رفقا و یاران جانباخته ای که در صفوف جنبش دانشجویی خارج از کشور پرورش پیدا کردند و راه و رسم وفاداری به آرمانهای انقلابی و منافع توده های خلق را آموختند.

با درود به مبارزات رزمنده و خدمات ماندگار کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در خارج از کشور  
با درود به یارانی که همچنان بر سر پیمان خویش با مردم و انقلاب ایستاده اند و تن به سازش با ارتجاع و امپریالیسم نمی دهند.  
رفقا، دوستان

کنفدراسیون نقشی مهم و فراموش نشدنی در تاریخ معاصر مبارزات دمکراتیک - ضد امپریالیستی مردم ایران داشته است. بسیاری از تشکلات جنبش کمونیستی و انقلابی ایران مستقیماً در حیات کنفدراسیون درگیر بودند؛ از آن نیرو می گرفتند و در تعیین مسیر حرکتش تاثیر می گذاشتند. تشکیلات ما نیز از بدو پیدایش یعنی از زمان ایجاد «سازمان انقلابیون کمونیست» و سپس طی دوره ای که اتحادیه کمونیستهای ایران بوجود آمد، نقش موثری در کنفدراسیون بازی کرد.

کنفدراسیون بر بستر جوش و خروش فراگیر انقلابی در سطح بین المللی زاده شد. بر بستر خیزشهایی که از اواخر دهه ۵۰ میلادی بر پا خاست و مهر خود را بر تحولات سراسر دهه ۶۰ کوبید. کنفدراسیون روحیه و ارزشهای نسل دهه ۶۰ را بازتاب می داد. نسل شاداب و شورشگری که در مقابل هرگونه ستم و بی عدالتی در هر گوشه جهان می ایستاد؛ به عرش اعلی یورش می برد؛ و جهان کهنه را زیر و رو می کرد تا جهانی نوین بسازد. نسلی که در سرودهایش می خواند: «ره پر پیچ و خم، آینده روشن. از سختی، از قربانی، از مرگ نهراسیم. تا پیروزی را بیشک از آن خود سازیم» این روحیه ای است که امروز نیز نسل جوان طلب می کند و بدون آن، هیچ انقلابی به پیش نمی رود.

جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور به یک تشکیلات رزمنده سیاسی نیاز داشت و کنفدراسیون چنین تشکیلاتی شد. این سازمان در مقابل تهدیدات رژیم شاه عقب نشینی نکرد. برعکس، خط سازش ناپذیری در برابر ارتجاع و امپریالیسم به پیش نهاد و با صراحت اعلام نمود که با هدف سرنگونی رژیم شاه و قطع سلطه امپریالیسم مبارزه می کند. کنفدراسیون بسرعت رشد و تکامل یافت و خطوط راست روانه و محافظه کارانه ای که می خواستند جنبش دانشجویی را در محدوده های صنفی و رفمیستی حبس کنند، کنار زد. علمدار رفمیسم و سازشکاری، حزب توده بود که به دفاع از انقلاب سفید شاه - آمریکا برخاسته و به نمایندگی و نوکر یک قدرت امپریالیستی نوین یعنی شوروی تبدیل شده بود. مبارزات بر حق دانشجویان انقلابی و مبارز و ترقیبخواه به اخراج سخنگویان حزب توده از کنفدراسیون انجامید.

کنفدراسیون در صحنه بین المللی به یکی از فعالترین و موثرترین تشکلات دمکراتیک و ضد امپریالیستی تبدیل شد و توانست مبارزات پر شوری را در دفاع از انقلابات و جنبشهای مردمی در سراسر جهان و افشای جنایات قدرتهای ارتجاعی و امپریالیستی سازمان دهد. کنفدراسیون در مبارزاتی که در اروپا و آمریکا علیه جنگ تجاوزکارانه یانکی ها در ویتنام برپا شد فعالانه شرکت می کرد و در مواردی آغازگر این مبارزات بود. کنفدراسیون مدافع استوار جنبش فلسطین بحساب می آمد؛ در دشوارترین روزها که امپریالیسم آلمان به بهانه واقعه المپیک مونیخ به سرکوب گسترده دانشجویان فلسطینی و عرب پرداخته بود، موفق شد این تهاجم ارتجاعی را با فعالیتهای افشاگری و بسیج افکار عمومی عقب براند. کنفدراسیون علیه تجاوزگری ارتش ایران که به قصد سرکوب جنبش ظفار انجام گرفت، یک کارزار دفاعی مداوم براه انداخت و رژیم شاه را در انجام اینگونه قلدریها یکدم آسوده نگذاشت. کنفدراسیون، هزاران جوان را در بطن مبارزات بین المللی با روحیه و جهت گیری انترناسیونالیستی پرورش می داد. کنفدراسیون از اینکه به سیاستهای تجاوزکارانه و سرکوبگرانه دولتهای امپریالیستی قاطعانه تعرض کند پروا نداشت و بخاطر امر انقلاب و منافع توده ها در همه کشورها، هر خطری را به جان می خرید. کنفدراسیون نه در برابر چهره فاشیستی بورژوازی بین المللی جا می زد و نه فریب چهره دمکراتیک، لیبرالی یا سوسیال دمکراتیک امپریالیستها را می خورد. کنفدراسیون بر سر ماهیت ضد خلقی شوروی امپریالیستی موضع گیری کرد و به افشای آن پرداخت. این تشکیلات با احزاب کمونیست انقلابی و سازمانهای مترقی همه کشورها ارتباط نزدیک داشت و خود نیز در کشورهای محل فعالیتش با مبارزات طبقاتی علیه دولتهای موجود پیوند می خورد.

جوانان مبارزی که کنفدراسیون را بنیان نهادند، به گرایشات سیاسی و ایدئولوژیک گوناگونی تعلق داشتند. آنچه آنان را بهم پیوند می داد، ضرورت اتحاد صفوف خلق علیه حاکمیت ارتجاع سلطنتی و اربابان و حامیان امپریالیستش بود. کنفدراسیون صحنه رقابت مکاتب فکری گوناگون بود و مبارزات جنبش کمونیستی و انقلابی در صفوف این تشکیلات بازتاب می یافت. جوانان بر پایه این سیاست باز و زنده رشد می کردند. این سیاست کمک می کرد که هزاران نفر آگاهانه با نیروهای مختلف جنبش سیاسی ایران سمت گیری ایدئولوژیک و سیاسی کنند. جنبش دانشجویی خارج از کشور، صفوف گروه ها و سازمانهای سیاسی را مرتباً از نیروهای جوان پر می کرد.

مبارزه خلاق و غنی و پر شور درونی کنفدراسیون که برای تکامل تشکیلات جنبش دانشجویی و تامین سمت و سوی صحیح آن انجام می گرفت، یک مدرسه سیاسی و ایدئولوژیک پر بار برای رهبران و کادرها و بدنه این جنبش محسوب می شد. در جریان این مبارزه، گرایشات کمونیستی و انقلابی پیشرو به مصاف با نگرش ها و راه های نادرستی می پرداختند که قصد کشاندن جنبش دانشجویی به بیراهه مماشات با بخشهایی از ارتجاع حاکم یا قطب های امپریالیستی را داشتند. در این مبارزه، ارتجاع و رفمیسم، شووینسم فارس، و تحقیر زنان مورد حمله قرار می گرفت و دانشجویان مبارز به دفاع از انقلاب و پیوند با کارگران و زحمتکشان فرا خوانده می شدند. در کنفدراسیون، جوانان با تاریخ واقعی ایران و جهان، با تاریخ مبارزات طبقاتی و ملی، آشنا می شدند. آنها می آموختند که اگر روشنفکران با منافع زحمتکشان سمت گیری نداشتند، ضدانقلابی خواهند شد.

با اتخاذ و تبلیغ چنین موضعی بود که کنفدراسیون موفق شد بسیاری از زنان و مردان پیشرو و انقلابی - از ملل گوناگون ساکن ایران - را جذب خویش کند. سازمانهای سیاسی مختلف با انکاء به همین نیرو بود که امر انتقال به ایران و گسترش فعالیتهای خود به صورت تشکیلاتهای سراسری را به انجام رساندند. در روزهای انقلاب ۵۷ و سالهای متعاقب آن، کنفدراسیونی هائی که به ایران بازگشته بودند دوشادوش فعالین جنبش دانشجویی داخل کشور تلاش می کردند تا آگاهی انقلابی را به میان مردم ببرند. بخشی از آنها در ایجاد کمیته های مخفی مبارزاتی و هسته های مطالعاتی در میان کارگران پیشرو صنعت نفت و سایر رشته ها سهم گرفتند؛ برخی نیز در جنبشهای ملی و دهقانی فعال شدند و در جنگهای انقلابی که در نقاط مختلف کشور علیه رژیم اسلامی براه افتاد شرکت نمودند. زنان پرورش یافته در جنبش دانشجویی خارج نقش بسزائی در سازماندهی جنبش زنان در روزهای متعاقب انقلاب ۵۷ ایفاء کردند. بدین ترتیب، جنبش زنان که در پاسخ به حملات رژیم جمهوری اسلامی شکوفا شده بود، یکباره تعداد زیادی کادر

آگاه و پیشرو را در اختیار خود یافت. سرانجام اینکه، شمار زیادی از رهبران و اعضای کنفدراسیون در شکنجه های رژیم اسلامی و میدان های اعدام استوارانه ایستادند و در راه خلق جان باختند.

جنبش دانشجویی خارج از کشور در مقطعی از حیات خود دچار انشعاب شد. نیروهای ضدانقلابی سالها برای تضعیف و از هم پاشیدن کنفدراسیون تلاش کرده بودند. اما انشعاب در جنبش دانشجویی دلایل مهمتر و اساسی تری از دسایس آنها داشت. اوضاع بین المللی در دهه ۱۹۷۰ چرخش کرده بود. جنبشهای رهاپیکش رو به فروکش نهاده، شوروی سوسیال امپریالیستی سیاست همزیستی مسالمت آمیز را ترک گفته و در رقابتش با بلوک غرب، چهره تهاجمی به خود گرفته بود. چنین اوضاعی باعث شد که برخی نیروهای سابقا مخالف شوروی، بسوی آن گرایش پیدا کنند. برخی نیروها از انجام انقلاب نومید شده و به رفرمهای سیاسی که امپریالیستهای سوسیال دمکرات غربی وعده اش را می دادند دل بسته بودند. سیاست خارجی چین و تز سه جهان نیز توجیه گر و پشتوانه گرایشات سازشکارانه در برابر رژیم شاه شده بود. اوج تغییرات دهه ۷۰، کودتای ضدانقلابی در چین و از دست رفتن این پایگاه انقلابی بعد از مرگ مائوتسه دون بود که تأثیرات ایدئولوژیک و سیاسی عمیقی در همه جنبشها و تشکلات بر جای گذاشت. جنبش دانشجویی ایران نمی توانست از این چرخش مهم و گرایشات طبقاتی موجود در سطح جامعه و جهان بر کنار بماند و نماند. در نتیجه، کنفدراسیون به ناگزیر دچار انشعاب شد، تشکیلات های دانشجویی مجزا بوجود آمدند و در واقع به حیات کنفدراسیون بمشابه تشکیلات واحد جنبش دانشجویی خارج از کشور نقطه پایان نهاده شد.

امروز شرایط جنبش خارج از کشور بسیار متفاوت از دوران فعالیت کنفدراسیون است. اما ارائه یک تحلیل و جمع بندی صحیح از آن تجربه پیشرو و دستاوردهایش می تواند و باید در خدمت مبارزات کنونی علیه رژیم جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش قرار بگیرد. این وظیفه ای است که بر دوش بازماندگان جنبش دانشجویی خارج از کشور قرار دارد. می دانیم که برخی ریش سفیدها در مصاحبه ها و نقل خاطراتها کوشیده اند با اتکاء به سابقه مبارزاتی کنفدراسیون برای خود اعتبار بخرند. اما در واقع به نام تقدیر از کنفدراسیون یک تصویر تحریف شده و لیبرالی از آن شکل رزمنده ارائه می دهند. اینان دستاوردها و جهت گیریهای انقلابی کنفدراسیون را بعنوان به اصطلاح «چپ روی های کودتاه ای» که «باعث تلاشی این تشکیلات شد» تکیه کردند. هدفشان این بوده و هست که نسل نوین و جنبشها و تشکیلاتهای دمکراتیک موجود را از تجارب و ذخائر مبارزاتی بازمانده از کنفدراسیون محروم کنند. این معدود افراد، راه ارتداد را پیموده و به اشکال مختلف به خودفروشی سیاسی پرداخته اند تا هر طور شده در نظام استثمار ادغام شوند. اینها امروز یا جای پای سران حزب توده در دوران شاه نهاده اند. همانطور که آنها جناحی از ارتجاع حاکم را «مترقی» و «قابل دفاع» جا می زنند، اینان نیز مبلغ ترفندهای خاتمی و شرکایش شده اند.

در مقابل، باید با افتخار از خط و دستاوردهای انقلابی و ارزشمند کنفدراسیون یاد کرد؛ آن را بزرگ داشت و مهمتر از همه به انتقال تجارب و قابلیت های نسل گذشته به نسل جدید کمک نمود. با ظهور جنبشهای نوین توده ای در ایران و به میدان آمدن جوانان، امیدها و روحیات مبارزاتی نوین در قدیمی ترها برانگیخته شده است. بازماندگان کنفدراسیون وظیفه دارند ارزشها و معیارهای جنبشهای دهه های ۶۰ و ۷۰ که در کنفدراسیون تثبیت شده بود را به نسل جدید منتقل کنند. باید سازش ناپذیری در برابر ارتجاع و امپریالیسم، از جان گذشتگی در راه انقلاب و توده ها، خدمت به خلق و همبستگی انقلابی بین المللی را احیاء کنند. باید تجارب غنی گذشته در بکار بست مشی توده ای، بسیج افکار عمومی، پیوند با مبارزات طبقاتی در کشورهای گوناگون، و توانائی های تشکیلاتی و ابتکار عمل در برانگیختن و سازماندهی مردم در سطوح مختلف را اشاعه دهند. به عقیده ما، بزرگداشت چهلمین سالگرد تاسیس کنفدراسیون باید تاکیدی باشد بر این وظایف؛ باید محرکی باشد برای انجام آنها.

رفقا، یاران

در خانمه بار دیگر به خاطره همه جانبختگان انقلابی درود می فرستیم و تلاشهای همه کسانی که برای پیروزی انقلاب زحمتکشان در هر گوشه جهان مبارزه می کنند را آرج می گذاریم. باشد تا قرن جدید - همانگونه که در سرودهایمان می خواندیم - قرن رهائی انسانها شود.

اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) - دسامبر ۱۹۹۹